

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

ضمیمه فصل دوازدهم

مندرج در دفتر اول جلد ششم

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان

و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی
(اتحادیه ملی)

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵

حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

- ۱.....توفان و کنفدراسیون جهانی
- ۱.....دفتر اسناد ضمیمه فصل دوازدهم
- ۲.....سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل دوازدهم
- ۲.....آیا منافع گروهی در ماوراء منافع خلق ایران قرار دارد

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل دوازدهم

مندرج در دفتر نخست جلد ششم

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل دوازدهم

مندرج در بخش: (نتایج عملی استفاده از مفهوم "مائوئیسم" برای مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم و بر ملا شدن ماهیت این انتساب)

آیا منافع گروهی در ماوراء منافع خلق ایران قرار دارد

آیا منافع گروهی در ماوراء منافع خلق ایران قرار دارد؟

پنجشنبه ۷۶/۶/۳

پورش ساواک و کشتارهای اخیر بار دیگر باز هم بیشتر ماهیت فاشیستی، درنده خوئی و خونخواری شاه را نمایان ساخت. قربانی گرفتن اخیر محمدرضا شاه از بهترین فرزندان خلق ما نشانه ضعف و زبونی حکومت او را در مقابل مبارزات بحق خلق نشان می‌دهد. این کشت و کشتار اخیر بار دیگر وظیفه مبی را که جنبش دانشجویی در خارج از کشور برای پشتیبانی مبارزات خلقی معده دارد عیان مینماید.

در چند هفته اخیر دبیران فدراسیون آلمان و واحدهای فدراسیون به آکسیونهای وسیع دفاعی بمنظور افشای هرچه بیشتر رژیم مبادرت ورزیدند.

مطابق فراخوان دبیران فدراسیون آلمان واحد مونخ اقدام به فراهم آوردن زمینه برگزاری یک مارش اعتراضی از شهر مونخ به شهر داخاو (محل کورهای آدم سوزی هیتلر) کرد.

بمنظور انجام موفقیت آمیز این مارش با تمام سازمانهای دمکرات، لیبرال، ضد فاشیست و مترقی تماس برقرار گردید و آنها به پشتیبانی دعوت گردیدند. از جمله با هیأت دبیران سازمان جوانان سوسیالیست مونخ (JUSO) بعنوان نمایندگان انجمن مونخ عضو فدراسیون و کنفدراسیون تماس برقرار کردیم و درخواست نمودیم که برای این مارش اجازه پلیس و دعوت مطبوعاتی انجام گیرد. در این تماس و تماسهای بعدی موافقت شد که از مطبوعات مشترکا دعوت بعمل آید و نیز اعلامیه‌ای که در اختیار آنها قرار دادیم مورد پشتیبانی آنها قرار گرفت. این اعلامیه همان اعلامیه منتشره از طرف دبیران فدراسیون آلمان برای تظاهرات هرات کلن بود که تمام واحدها نیز آنرا تکثیر و پخش کردند. پس از این توافق اجازه این مارش از پلیس شهر مونخ، پلیس شهر داخاو و "اداره محل یادبود قربانیان رژیم فاشیستی هیتلر" از طرف (JUSO) با همکاری ما گرفته شد.

واحد مونخ در طول این زمان موضوع مارش اعتراضی را به درون افکار عمومی برده و برای بسیج هر چه بیشتر ایرانیان و نیروهای ضد فاشیست اقدام به فعالیت وسیعی نمود (تهیه اطلاعاتی مطبوعاتی، فراخوان و اعلامیه، برگزاری نمایشگاه در محلهای دانشجویی برگزاری یادبود شهیدان و ...)

از جمله این فعالیتها شرکت در یک نشست اعتراضی در تاریخ ۷۶/۶/۲ بود. این نشست بمنظور اعتراض به حمله پلیس مونخ به دانشگاه و دستگیری بیش از ۵۰۰ نفر دانشجویان بود از طرف JUSO ترتیب داده شده بود.

قصد ما از شرکت در این نشست علاوه بر اعتراض به عمل پلیس، اعلان مارش اعتراضی در روز ۷۶/۶/۵ و دعوت به شرکت در این مارش بود. این خواست قبل از شروع نشست با دبیران JUSO در میان گذاشته شد و همچنین توافق گردید که پس از اتمام این نشست جلسه مشترکی جهت فعالیتهای بعدی گذاشته شود. در آغاز شروع نشست (Veranstaltung) از طرف یکی از دبیران JUSO موضوع مارش مطرح گردید و از شرکت کنندگان در جلسه دعوت شد تا در مارش ما شرکت کنند و همچنین از طرف دبیران JUSO اعلامیه‌ای که در آن علل و تاریخ مارش قید شده بود پخش گردید.

مدتی از شروع برنامه نگذشته بود که "مسئول موقت" سابق "کنفدراسیون" و "دبیر فدراسیون" آلمان و یکی از فعالین انشعاب - بیون در مونخ به نشست آمدند و پس از مدت کوتاهی نشست را با دبیران JUSO ترک کردند. قریب یکساعت پس از ترک این آقایان و دبیران JUSO یکی از مسئولین JUSO به نمایندگان انجمن مونخ مراجعه کرده و درخواست نمود که در جلسه دبیران JUSO شرکت کنیم. در هنگام ورود به جلسه با حضور این سه انشعابی مواجه گردیدیم.

تصور ما این بود که موضوع جلسه مارش اعتراضی روز شنبه ۷۶/۶/۵ خواهد بود. ولی متأسفانه اولین موضوع مطرحه از طرف دبیران JUSO این بود که: "شما گروه مائوئیستی هستید و نمایندگان انجمن مونخ عضو کنفدراسیون نیستید. از این جهت ما با گروه مائوئیستی نمیتوانیم این مارش را برگزار کنیم و اجازه پلیس را در رابطه با مارش پس خواهیم گرفت" نمایندگان واحد ما در مقابل موضوع غیر مترقبهای قرار گرفته بودند و مطرح کردند که: "دبیران JUSO بر چه پایهای ادعا میکنند که ما گروه مائوئیستی هستیم و کنفدراسیون نیستیم؟" جواب داده شد که: "از طرف دانشجویانی این اطلاع در مورد شما مباداده شده است و این اطلاع از طرف این سه نفر نیست (!)"

سپس بطور مشخص مطرح شد که: "در تمام مدت تماس با ما و حتی تا لحظه قبل از تماس با این سه نفر شما هرگز ادعا نکردید که ما گروه مائوئیستی هستیم و حتی قرار بر این بود که پس از نشست جلسه مشترک برای ادامه فعالیت موفقیت آمیز مارش گذاشته شود." این مسئله حتی بعد از چندین بار تکرار بدون جواب ماند. در بحث طولانی که در گرفت ما مواضع کنفدراسیون و مسئله -

انشعاب را طرح و به توضیح کامل آن پرداختیم و اعلان موضع کردیم که نمایندگان حقیقی کفدراسیون ما هستیم و در عمل مبارزاتی خود حقانیت این گفته را با اثبات رسانیده و خواهیم رسانید و بطور مکرر انجام مارش اعتراضی را خواستار شدیم.

در مقابل، انشعابيون فقط به تکرار مکرر این امر که: " شماها مائوئیست هستید و تا بحال فقط با گروه های مارکسیست-لنینست همکاری داشتاید " پرداختند و از اعلان موضع در مورد کفدراسیون، مبارزات آن و مسئله انشعاب اجتناب ورزیدند. در مقابل مواضع بحق ما در ایران TUSO مجبور به عقب نشینی تاکتیکی گردیدند و مطرح کردند که اکنون در صورتی حاضر به برگزاری مارش هستند که بدون موافقت و تصمم دبیران TUSO هیچگونه تبلیغاتی از طرف ما برای جلب و بسیج نیروهای ضد فاشیستی، دموکرات و مترقی صورت نپذیرد و بدون این موافقت از شرکت نیروهای دیگر که مطابق نظر آنها نیست جلوگیری گردد. بدیهی است که این شرط برای ما که به استقلال سیاسی خود معتقد هستیم قابل قبول نبود و با آگاهی باین امر که ادامه بحث بی نتیجه و عملاً امکان برگزاری این مارش در تاریخ تعیین شده برای ما موجود نیست (زیرا که اجازه برگزاری مارش-بایستی ۴۸ ساعت قبل از پلیس گرفته شود) از ادامه بحث خودداری نموده و موضع دبیران TUSO را کنها خواستار شدیم. در شرایطی که رژیم خونخوار محمدرضا شاه هر روز دست به کشتار و دستگیری بهترین فرزندان خلق میزند، در زمانی که پنجه خون آلود رژیم پهلوی گلوله خلق ایران را جهت تامین منافع اربابانش هر چه بیشتر میفشارد و نیز در شرایطی که مبارزات دلاورانه خلق ما پایهای رژیم فاشیستی شاه را بلرزه درآورده است و در جهت نابودی کامل آن و کسب استقلال ملی و حاکم شدن بر سرنوشت خویش متحد تر و مصمم تر به پیش میروند، آیا در چنین زمانی از منافع گروهی حرکت کردن و این منافع را بر منافع خلق ترجیح دادن گواهی بر دید تنگ نظرانه و گروهی گرایانه نیست؟ ما معتقدیم که منافع خلق ایران و مبارزات آن بر هر امر دیگری ارجحیت داشته و منافع هر گروه فقط در خدمت منافع خلق قابل فهم و توجیه اند.

مارش اعتراضی مونیخ - داخل و در رابطه با تداوم مبارزات فدراسیون آلمان در جهت افشای هر چه بیشتر رژیم فاشیستی محمد رضا شاه و شرایط اختناق و فشار در ایران و بخصوص اعتراض به کشتار وسیع مبارزین اخیر در آستانه برگزاری مسخره پنجاه سالگی حکومت جنایت بار دودمان ننگین پهلوی قرار داشت. از جمله یکی دیگر از خواستهای این مارش درخواست پشتیبانی جهت فرستادن هیئتی از حقوق دانان و پزشکان به ایران بمنظور بررسی وضع زندانیان سیاسی بود. متأسفانه امروز عدای دیگر "اسلحه" زنگ خورده "کمیته مرکزی" را که مبارزات کفدراسیون را تخطئه و رهبران آنرا "مائوئیست" مینامید بدست گرفته اند تا با بکار بردن این شیوه مطرود، مواضع تنگ نظرانه گروهی خود را "تثبیت" کنند. آیا برای انشعابيون قابل پیش بینی نبود و نیست که با طرح چنین مطالبی ("مائوئیسم" و ...) باعث عدم پشتیبانی سازمانهایی چون TUSO و غیره از مبارزات ضد رژیمی و ضد فاشیستی میشوند؟ عملاً بار دیگر این عده منافع گروهی خود را در مقابل جنبش دانشجویی قرار داده و در مورد مشخص باعث تعمیق افتادن مارش مبارزاتی ضد فاشیستی گردیدند.

همانطور که "کمیته مرکزی" با این "اسلحه" شناخته شده نتوانست در مقابل مبارزات بحق کفدراسیون ایستادگی کند و با هر چه بیشتر بکار بردن این شیوه مطرود عملاً خود را منفردتر کرد، افرادی که امروز نیز باین شیوه متوسل شده اند آیندای جز سرنوشت "کمیته مرکزی" نخواهند داشت.

مبارزات کفدراسیون هر روز جلا* بیشتری یافته و در جهت دفاع از مبارزات خلق ایران و افشای رژیم منفور پهلوی گامهای موثری به پیش بر میدارد و در این راه هر گونه سد و مانعی را درهم خواهد شکست. واحد مونیخ در راه افشا* ماهیت فاشیستی رژیم محمد رضا شاه بر طبق مصوبات کنگره های کفدراسیون و سنتهای مبارزاتی آن به بسیج هر چه بیشتر نیروها و سازمانهای دمکرات، لیبرال، ضد فاشیست و مترقی اقدام خواهد نمود و ما ایمان داریم که در این راه پیروزی با ماست زیرا که حقیقت با ماست و حقیقت همیشه پیروز میشود.

هموطنان!

در شرایطی که جلا* خلق ایران - محمد رضا شاه - با داس مرگ گروه گروه و دسته دسته زندگی میهن پرستان را درو می نماید در شرایطی که قریب ۱۰۰ هزار نفر از بهترین، شریف ترین و پاک ترین فرزندان خلق ما در دست جلا* اسیرند و در سیاهچالها، تحت شدیدترین و وحشتناکترین شکنجه های قرون وسطائی بسر میبرند سکوت در برابر این همه خیانت، جنایت، وطن فروشی و زلالت جایز نیست. باید از هرامگانی هر چند جزئی استفاده نمود و با افشای رژیم سر سبزده با مهربالیسم محمد رضا شاه پرداخت. لذا از همه هموطنان گرامی می طلبیم که با شرکت در این مارش اعتراضی کموقت آن با اطلاع خواهد رسید بطور وسیع شرکت نمائید.

هیأت اجراییه انجمن مونیخ

"آیا منافع گروهی در ماوراء منافع خلق ایران قرار دارد؟"

پنجشنبه ۷۶/۶/۳

یورش ساواک و کشتارهای اخیر بار دیگر باز هم بیش‌تر ماهیت فاشیستی، درنده‌خوئی و خونخوار شاه را نمایان ساخت. قربانی‌گرفتن اخیر محمدرضاشاه از بهترین فرزندان خلق ما نشانه ضعف و زبونی حکومت او را در مقابل مبارزات به حق خلق نشان می‌دهد. این کشت و کشتار اخیر بار دیگر وظیفه مهمی را که جنبش دانشجویی در خارج از کشور برای پشتیبانی مبارزات خلق به عهده دارد عیان می‌نماید.

در چند هفته اخیر دبیران فدراسیون آلمان و واحدهای فدراسیون به آکسیون‌های وسیع دفاعی به منظور افشای هر چه بیش‌تر رژیم مبادرت ورزیدند.

مطابق فراخوان دبیران فدراسیون آلمان واحد مونیخ اقدام به فراهم آوردن زمینه برگزاری یک مارش اعتراضی از شهر مونیخ به شهر داخائو (محل کوره‌های آدم سوزی هیتلر) کرد.

به منظور انجام موفقیت آمیز مارش با تمام سازمان‌های دمکرات، لیبرال، ضدفاشیست و مترقی تماس برقرار گردید و آنها به پشتیبانی دعوت گردیدند. از جمله با هیات دبیران سازمان جوانان سوسیالیست مونیخ (JUSO) به عنوان نمایندگان انجمن مونیخ عضو فدراسیون و کنفدراسیون تماس برقرار کردیم و درخواست نمودیم که برای این مارش اجازه پلیس و دعوت مطبوعاتی انجام گیرد. در این تماس و تماس‌های بعدی موافقت شد که از مطبوعات مشترکا دعوت به عمل آید و نیز اعلامیه‌ای که در اختیار آنها قرار دادیم مورد پشتیبانی آنها قرار گرفت. این اعلامیه همان اعلامیه منتشره از طرف دبیران فدراسیون آلمان برای تظاهرات کلن بود که تمام واحدها نیز آنرا تکثیر و پخش کرده‌اند. پس از این توافق اجازه مارش از پلیس شهر مونیخ، پلیس شهر داخائو و "اداره محل یادبود قربانیان رژیم فاشیستی هیتلر" از طرف (JUSO) با همکاری ما گرفته شد.

واحد مونیخ در طول این زمان موضوع مارش اعتراضی را به درون افکار عمومی برده و برای بسیج هر چه بیش‌تر ایرانیان و نیروهای ضدفاشیست اقدام به فعالیت وسیعی نمود (تهیه اطلاعیه مطبوعاتی، فراخوان و اعلامیه، برگزاری نمایشگاه در محل‌های دانشجویی برگزاری یاد بود شهیدان و...).

از جمله این فعالیت‌ها شرکت در یک نشست اعتراضی در تاریخ ۷۶/۶/۲ بود. این نشست که به منظور اعتراض به حمله پلیس مونیخ به دانشگاه و دستگیری بیش از ۵۰۰ نفر دانشجویان بود از طرف JUSO ترتیب داده شده بود.

قصد ما از شرکت در این نشست علاوه بر اعتراض به عمل پلیس، اعلان مارش اعتراضی در روز ۷۶/۶/۵ و دعوت به شرکت در این مارش بود. این خواست قبل از شروع نشست با دبیران JUSO در میان گذاشته شد و همچنین توافق گردید که پس از اتمام این نشست جلسه مشترکی جهت فعالیت‌های بعدی گذاشته شود. در آغاز شروع نشست (Veranstaltung) از طرف یکی از دبیران JUSO موضوع مارش مطرح گردید و از شرکت کنندگان در جلسه دعوت شد تا در مارش شرکت کنند و همچنین از طرف دبیران JUSO اعلامیه ما که در آن علل و تاریخ مارش قید شده بود پخش گردید.

مدتی از شروع برنامه نگذشته بود که "مستول موقت" سابق "کنفدراسیون" و "دبیر فدراسیون" آلمان و یکی از فعالین انشعابیون در مونیخ به نشست آمدند و پس از مدت کوتاهی نشست را با دبیران JUSO ترک کردند. قریب یک ساعت پس از ترک این آقایان و دبیران JUSO یکی از مستولین JUSO به نمایندگان انجمن مونیخ مراجعه کرده و درخواست نمود که در جلسه دبیران JUSO شرکت کنیم. در هنگام ورود به جلسه با حضور این سه انشعابی مواجه گردیدیم.

تصور ما این بود که موضوع جلسه مارش اعتراضی روز شنبه ۷۶/۶/۵ خواهد بود. ولی متأسفانه اولین موضوع مطروحه از طرف دبیر اول JUSO این بود که: "شما گروه مائوئیستی هستید و نمایندگان انجمن مونیخ عضو کنفدراسیون نیستند. از این جهت ما با گروه مائوئیستی نمی‌توانیم این مارش را برگزار کنیم و اجازه پلیس را در رابطه با مارش پس خواهیم گرفت" نمایندگان واحد ما در مقابل موضوع غیرمترقبه‌ای قرار گرفته بودند و مطرح کردند که: "دبیران JUSO بر چه پایه‌ای ادعا

^۱ - منظور فدراسیون قدرتمند آلمان نیست فدراسیون تقلبی است که جبهه ملی ایران برای خودش سرهم بندی کرده بود و فاقد هرگونه توانائی مبارزاتی بود. به همین جهت آنها با رویزیونیست‌های هوادار شوروی و حزب توده ایران همکاری می‌کردند.

می‌کنند که ما گروه مائوئیستی هستیم و کنفدراسیون نیستیم؟ "جواب داده شد که: "از طرف دانشجویانی این اطلاع در مورد شما به ما داده شده است و این اطلاع از طرف این سه نفر نیست (!!!)".

سپس به طور مشخص مطرح شد که: "در تمام مدت تماس با ما و حتی تا لحظه قبل از تماس با این سه نفر شما هرگز ادعا نکردید که ما گروه مائوئیستی هستیم و حتی قرار بر این بود که پس از نشست جلسه مشترک برای ادامه فعالیت موفقیت‌آمیز مارش گذاشته شود". این مسئله حتی بعد از چندین بار تکرار بدون جواب ماند. در بحث طولانی که درگرفت ما مواضع کنفدراسیون و مسئله انشعاب را طرح و به توضیح کامل آن پرداختیم و اعلان موضع کردیم که نمایندگان حقیقی کنفدراسیون ما هستیم و در عمل مبارزاتی خود حقانیت این گفته را به اثبات رسانیده و خواهیم رسانید و به طور مکرر انجام مارش اعتراضی را خواستار شدیم.

در مقابل، انشعابیون فقط به تکرار مکرر این امر که: "شماها مائوئیست هستید و تا به حال فقط با گروه‌های مارکسیست-لنینیست همکاری داشته‌اید" پرداختند و از اعلان موضع در مورد کنفدراسیون، مبارزات آن و مسئله انشعاب اجتناب ورزیدند. در مقابل مواضع به حق ما دبیران JUSO مجبور به عقب نشینی تاکتیکی گردیدند و مطرح کردند که اکنون در صورتی حاضر به برگزاری مارش هستند که بدون موافقت و تصمیم دبیران JUSO هیچ‌گونه تبلیغاتی از طرف ما برای جلب و بسیج نیروهای ضدفاشیستی، دموکرات و مترقی صورت نپذیرد و بدون این موافقت از شرکت نیروهای دیگر که مطابق نظر آنها نیست جلوگیری گردد. بدیهی است که این شرط برای ما که به استقلال سیاسی خود معتقد هستیم قابل قبول نبود و با آگاهی به این امر که ادامه بحث بی‌نتیجه و عملاً امکان برگزاری این مارش در تاریخ تعیین شده برای ما موجود نیست (زیرا که اجازه برگزاری مارش بایستی ۴۸ ساعت قبل از پلیس گرفته شود) از ادامه بحث خودداری نموده و موضع دبیران JUSO را کتبا خواستار شدیم. در شرایطی که رژیم خونخوار محمدرضاشاه هر روز دست به کشتار دسته‌جمعی بهترین فرزندان خلق می‌زند، در زمانی که پنجه خون‌آلود رژیم پهلوی گلولی خلق ایران را جهت تامین منافع اربابانش هر چه بیشتر می‌فشارد و نیز در شرایطی که مبارزات دلاورانه خلق ما پایه‌های رژیم فاشیستی شاه را به لرزه در آورده است و درجهت نابودی کامل آن و کسب استقلال ملی و حاکم شدن بر سرنوشت خویش متحدتر و مصمم‌تر به پیش می‌رود، آیا در چنین زمانی از منافع گروهی حرکت کردن و این منافع را بر منافع خلق ترجیح دادن گواهی بر دید تنگ‌نظرانه و گروهی‌گرایانه نیست؟

ما معتقدیم که منافع خلق ایران و مبارزات آن بر هر امر دیگری ارجحیت داشته و منافع هر گروه فقط در خدمت منافع خلق قابل فهم و توجیه‌اند.

مارش اعتراضی مونیخ- داخائو در رابطه با تداوم مبارزات فدراسیون آلمان در جهت افشای هر چه بیشتر رژیم فاشیستی محمدرضا شاه و شرایط اختناق و فشار در ایران و به خصوص اعتراض به کشتار وسیع مبارزین اخیر در آستانه برگزاری مسخره پنجاه سالگی حکومت جنایت‌بار دودمان ننگین پهلوی قرار داشت. از جمله یکی دیگر از خواست‌های این مارش در خواست پشتیبانی جهت فرستادن هئیتی از حقوقدانان و پزشکان به ایران به منظور بررسی وضع زندانیان سیاسی بود.

متأسفانه امروز عده‌ای دیگر "اسلحه" زنگ خورده "کمیته مرکزی" را که مبارزات کنفدراسیون را تخطئه و رهبران آنرا "مائوئیست" می‌نامید به دست گرفته‌اند تا با به کار بردن این شیوه مطرود، مواضع تنگ‌نظرانه گروهی خود را "تثبیت" کنند.

آیا برای انشعابیون قابل پیش‌بینی نبود و نیست که با طرح چنین مطالبی ("مائوئیسم" و...) باعث عدم پشتیبانی سازمان‌هایی چون JUSO و غیره از مبارزات ضدژیم و ضدفاشیستی می‌شوند؟

عملاً بار دیگر این عده منافع گروهی خود را در مقابل جنبش دانشجویی قرار داده و در مورد مشخص باعث به تعویق افتادن مارش مبارزاتی ضدفاشیستی گردیدند.

همان طور که "کمیته مرکزی" با این "اسلحه" شناخته شده نتوانست در مقابل مبارزات به حق کنفدراسیون ایستادگی کند و با هر چه بیشتر به کار بردن این شیوه مطرود عملاً خود را منفردتر کرد، افرادی که امروز نیز به این شیوه متوسل شده‌اند آینده‌ای جز سرنوشت "کمیته مرکزی" نخواهند داشت.

مبارزات کنفدراسیون هر روز جلاء بیش‌تری یافته و در جهت دفاع از مبارزات خلق ایران و افشای رژیم منقر پهلوی گام‌های موثری به پیش برمی‌دارد و در این راه هر گونه سد و مانعی را درهم خواهد شکست. واحد مونیخ در راه افشاء ماهیت فاشیستی رژیم محمدرضاشاه بر طبق مصوبات کنگره‌های کنفدراسیون و سنت‌های مبارزاتی آن به بسیج هر چه بیشتر نیروها و

سازمان‌های دمکرات، لیبرال، ضدفاشیست و مترقی اقدام خواهد نمود و ما ایمان داریم که در این راه پیروزی با ماست زیرا که حقیقت با ماست و حقیقت همیشه پیروز می‌شود.

هموطن!

در شرایطی که جلاّد خلق ایران - محمدرضاشاه - با داس مرگ گروه گروه و دسته دسته زندگی میهن‌پرستان را درو می‌نماید در شرایطی که قریب ۱۰۰ هزار نفر از بهترین، شریف‌ترین و پاک‌ترین فرزندان خلق ما در دست جلاّد اسیرند و در سیاهچال‌ها، تحت شدیدترین و وحشتناک‌ترین شکنجه‌های قرون وسطائی به سر می‌برند سکوت در برابر اینهمه خیانت، جنایت، وطن‌فروشی و رذالت جایز نیست. باید از هر امکانی هر چند جزئی استفاده نمود و به افشای رژیم سرسپرده بامپریالیسم محمدرضاشاه پرداخت. لذا از همه هموطنان گرامی می‌طلبیم که با شرکت در این مارش اعتراضی که وقت آن به اطلاع خواهد رسید به طور وسیع شرکت نمائید.

هیات اجرائیه انجمن مونیخ"

